

مطالعه تطبیقی تاثیر تحریم‌های اقتصادی بر تعهدات در حقوق ایران و تجارت بین‌المللی

سعیده اسماعیلی فرد^۱، سید حسین سادات حسینی^{۲*}، رمضان دهقان^۳، مجید
هراتیان نژادی^۴

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، سمنان، ایران
۲. استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، سمنان، ایران
۳. استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، سمنان، ایران
۴. استادیار، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، سمنان، ایران

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۳۱

دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۱

چکیده

تحریم‌های اقتصادی به‌عنوان یک ابزار مقابله‌ای از سوی دولت‌های توسعه‌یافته علیه دولت‌های درحال توسعه به‌منظور وادار کردن دولت تحریم شده به مطابقت با مطالبات تحمیل‌شده دولت‌های تحریم کننده اعمال می‌شود. این تحریم‌ها از آثار مختلف اقتصادی، اجتماعی، قانونی و ... برخوردارند که یکی از آن‌ها، بر روی تعهدات قراردادی است. جدا از این‌که قانون خاصی در زمینه تأثیر تحریم‌های بین‌المللی بر تعهدات قراردادی در نظام حقوقی ایران تدوین نشده است، اما در رویه داوری بین‌المللی و قضایی داخلی سایر کشورها به این موضوع توجه شده است. سؤال اصلی که در این تحقیق وجود دارد، آن است که رویکرد نظام حقوقی ایران و حقوق تجارت بین‌المللی نسبت به تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر تعهدات چیست؟ نتیجه تحقیق حاضر بدین صورت است که از نظر مبانی و رویه قضایی و داوری، تفاوت عمده‌ای وجود دارد به‌نحوی که در نظام حقوق تجارت بین‌الملل بر اساس سه دکترین

Email: dr.saadathosseini699@yahoo.com

*نویسنده مسئول مقاله:



هاردشیپ، عقیم‌سازی و فورس ماژور، این تأثیرات را مورد بررسی قرار می‌دهند درحالی‌که در نظام حقوقی ایران، رویکرد خاصی در این زمینه مشاهده نمی‌شود. ثانیاً، در نظام حقوقی تجاری بین‌المللی، رویه واحدی در زمینه تلقی تحریم‌های اقتصادی به‌عنوان فورس ماژور یا واقعه دشوار (هارد شیپ) یا عقیم ساز دیده نمی‌شود. با این حال، عمده رویه‌ها متمایل به دکترین عقیم‌سازی هستند. این در حالی است که به نظر می‌رسد که نظام قضایی ایران عمدتاً متمایل به تلقی تحریم‌های بین‌المللی به‌عنوان فورس ماژور باشد.

واژگان کلیدی: تحریم‌های اقتصادی، تعهدات، عقیم‌سازی، فورس ماژور، هاردشیپ.

۱. مقدمه

تحریم‌های بین‌المللی بر ارتباطات قراردادی بین کشورهای مورد تحریم و اطراف خصوصی قراردادها یا بین اتباع دولت تحریم شده با اتباع سایر دولت‌ها اعم از ثالث و تحریم کننده، تأثیر می‌گذارد. نمونه بارز این موضوع کناره‌گیری شرکت‌های نفتی و گازی نیروژی از صنعت نفت و گاز ایران به دلیل وقوع و تشدید تحریم‌های بین‌المللی در سال‌های گذشته بوده است. (C.Tevendele and Brugriere, 2013, p.2) محاکم قضایی داخلی و داوری بین‌المللی از گذشته تاکنون مواضع متفاوتی را در ارتباط با تأثیر تحریم‌های بین‌المللی بر اجرای قراردادها اخذ نموده‌اند برای نمونه در رأی صادره در قضیه "Andrew Millar & Co Ltd v. Taylor and Co Ltd" (۱۹۱۶)، دادگاه استیناف انگلستان و ولز تشخیص داد که قرارداد صادرات کالاها به‌واسطه تحریمی که ۱۵ روز پس از آغاز اجرای قرارداد و قبل از پایان مدت‌زمان تحویل اعمال شده است، تأثیر نپذیرفته و اجرایی می‌گردد. (J.Fisher and Baradon, 2015, p.38) در مقابل، در برخی قضایا نیز تحریم‌ها به‌عنوان عوامل خنثی‌کننده اجرای قراردادها مورد پذیرش قرار گرفته‌اند برای نمونه در رأی صادره در قضیه AI-Kishtaini v. Shansal (۲۰۰۱)، دادگاه استیناف انگلستان و ولز اعلام نمود که بدهکاری که بیش از آنچه مقرر بوده است، به بستانکار خود بازگردانده است، ذی‌حق



نیست تا اضافه پرداخت خود را مطالبه کند به این دلیل که پرداخت اضافه در زمان خود، تحریم‌های لازم‌الاجرا علیه عراق را نقض می‌کرده است. همچنین در رای صادره دادگاه بدوی ژنوا ایتالیا در قضیه *Fincantieri-Oto Melara S.p.A v. Iraq* Government and Ministry of Defence نیز به این موضوع اشاره شد که شماری از سازندگان کشتی‌های جنگی ایتالیایی در دهه ۸۰ میلادی، به انعقاد قرارداد تأمین کشتی‌ها با وزارت دفاع عراق اقدام کردند. متعاقباً، بخشی از تحویل این کشتی‌ها به دلیل تحریم‌هایی که به دنبال اشغال کویت توسط رژیم بعثی عراق صورت گرفت، نتوانست در موعد مقرر تحویل داده شود. با طرح دعوی در دادگاه ایتالیایی، این دادگاه رأی داد که این تحریم‌ها به‌عنوان یک فورس ماژور تلقی شده و مسئولیتی متوجه شرکت‌های ایتالیایی از این باب نیست. (A.Lazari, 1997, p.217) در مورد تاثیر تحریم‌های اقتصادی بر تعهدات قراردادی در نظام حقوقی ایران، مقرره خاصی دیده نمی‌شود اما رویه مطلوب در زمینه مزبور برای دولت‌های تحریم شده، تلقی تحریم‌های بین‌المللی به‌عنوان فورس ماژور بوده است درحالی‌که دولت‌های تحریم کننده و شرکت‌های بین‌المللی یا اشخاص سرمایه‌گذار، همواره مخالف چنین ادعایی بوده و در حداکثر وضعیت خود، تحریم‌های بین‌المللی را به‌عنوان یک عامل تعلیق کننده اجرای قرارداد محسوب می‌نمایند.

۲. رویکرد حقوق تجارت بین‌المللی و حقوق ایران نسبت به تاثیر تحریم‌های اقتصادی بر وضعیت تعهدات قراردادی

در بند ۲-۶۱۵۴ قواعد متحدالشکل تجاری، این امر مورد تصریح قرار گرفته است که تحریم‌های بین‌المللی در صورتی، عدم اجرا را با عدم مسئولیت مدنی قراردادی همراه نمی‌سازند که عدم ایفای تعهدات قراردادی به سبب یک واقعه غیرمنتظره بوده که بر قصد اساسی که قرارداد بر مبنای آن واقع شده است، تأثیر بگذارد. دادگاه‌های آمریکایی عموماً دو شرط را بر عدم ایفای تعهدات قراردادی در اثر تحریم‌های بین‌المللی لحاظ می‌نمایند اولاً: تحریم‌های بین‌المللی فراتر از کنترل معقول طرفین

قرارداد باشد ثانیاً: تحریم‌های بین‌المللی بایستی موجب شده باشد که ایفای تعهدات قراردادی به صورت مستمر امکان‌پذیر نباشد. (T.S.Hishof, 2009, p.17)

۱-۲. قراردادهای پیش از اعمال تحریم‌های بین‌المللی

منظور از قراردادهای پیش از تحریم‌های بین‌المللی، قراردادهایی است که پیش از شیوع و تشدید تحریم منعقدشده باشد و منظور از شیوع و تشدید تحریم‌های مزبور بسته به صنف و قرارداد منعقدۀ متفاوت است. برای نمونه اگر قراردادهایی درزمینهٔ واردات یک نوع کالای خاص که بایستی از طریق مبادی گمرکی وارد کشور شود، منعقدشده باشد و سپس وقوع تحریم‌های بین‌المللی منتهی به بسته شدن مرزها شود به نحوی که امکان تسلیم کالای موردنظر به صورت موقت یا دائمی از بین رود، در این صورت به ترتیب بر اساس خیار تعذر تسلیم و فورس ماژور، حق فسخ و انفساخ ایجاد می‌شود.

البته این امر مربوط به تمامی قراردادهای نیست بلکه برخی از قراردادهای هستند که وقوع تحریم‌ها، تأثیری بر اجرای آن‌ها نداشته است برای نمونه می‌توان به قرارداد خرید یک ملک اشاره نمود که حتی اگر پیش از اعمال تحریم‌های بین‌المللی منعقدشده باشد، مشتری یا فروشنده نمی‌توانند انجام تعهدات خود را به علت وقوع تحریم‌های بین‌المللی، معلق نمایند.

۲-۲. قراردادهای پس از اعمال تحریم‌های بین‌المللی

در مورد قراردادهایی که پس از تحریم‌های بین‌المللی منعقد می‌شود؛ فرض عمده آن است که این قراردادهای بااطلاع از وضعیت تحریم‌های مزبور منعقدشده است. البته در صورتی که در ارتباط با این قراردادهای که عمده قراردادهای از این سنخ است، اجرای قرارداد به نحو دشوار و سخت شود که امکان اجرایی کردن قرار وجود نداشته باشد عموماً یا به خیار فسخ به‌ویژه خیار تعذر تسلیم استناد می‌شود در صورتی که امکان تسلیم مبیع به صورت موقت سلب شده باشد و در صورتی که به صورت دائمی باشد،



منفسخ می شود. همچنین تعلیق قرارداد و تعدیل قرارداد از روش هایی دیگری است که در بخش های بعدی بدان پرداخته می شود.

همچنین انجام برخی تعهدات به هیچ وجه شامل وقوع تحریم ها نمی شوند برای نمونه در زمینه پرداخت ها در یک قرارداد که متعهد به پرداخت نمی تواند عدم پرداخت خود را به دلیل وقوع تحریم های بین المللی نماید چراکه امروزه پرداخت های الکترونیکی جایگزین پرداخت های سنتی شده است.

۳. نظریه هاردشیپ

هاردشیپ شرایطی را در برمی گیرد که برخلاف فورس ماژور اجرای تعهدات قراردادی به طور کامل غیرممکن نمی گردد، بلکه اجرای تعهدات قراردادی برای متعهد به طور فوق العاده دشوار می گردد (Perillo, 1996, p.44).

۳-۱. انفساخ در نظریه هاردشیپ

برخی در توجیه انحلال عقد در صورت تغییر اوضاع و احوال، به نظریه علت متمسک شده است. از آنجاکه در کلیه عقود معوض، تعهد هر طرف، علت تعهد طرف دیگر است و این دو علت جز در موارد استثنایی مصرح در قانون باید از نظر اقتصادی متعادل باشند. از بین رفتن این موازنه در اثر حوادث پیش بینی نشده مقصود طرفین نبوده، لذا قرارداد باید منحل اعلام گردد (Markesinis, 2006, p.320-322).

دشوار شدن اجرای قرارداد، منتفی شدن موضوع قرارداد تلقی می شود؛ زیرا موضوع قرارداد با لحاظ شرایط و وضعیتیتی که هنگام انشای عقد داشته، مورد توجه طرفین بوده است نه صرف ماهیت و ذات آن. لذا در صورتی که شرایط آن به نحو غیرقابل پیش بینی دگرگون شود، موضوع قرارداد به گونه ای که مورد نظر طرفین بوده است، منتفی می شود و در نتیجه اثر آن انحلال خود به خودی قرارداد است (شهیدی، ۱۳۸۶، ص ۴۳).

۲-۳. نظریه هاردشیپ در اصول قراردادهای بازرگانی

در چند دهه اخیر لزوم بازگرداندن تعادل به قرارداد مطرح و نظریه هاردشیپ تکامل یافته است در ماده ۲_۲_۶ اصول قراردادهای بازرگانی بین‌المللی چنین نهادی شناسایی شده است. همچنین در ماده ۱۱۱-۶ اصول حقوق قراردادهای اروپا حکمی مشابه در نظر گرفته شده است. به موجب این نظریه هرگاه تعادل اقتصادی قرارداد به‌طور اساسی از بین برود به نحوی که هزینه اجرای تعهد برای یک‌طرف افزایش یابد یا ارزش دریافتی از اجرای تعهد کاهش یابد هاردشیپ تحقق می‌یابد مشروط بر اینکه بر هم خوردن تعادل اقتصادی بعد از انعقاد قرارداد رخ دهد و زیان‌دیده نیز امکان پیش‌بینی وقایعی را که منجر به عدم تعادل شده نداشته باشد (شعاریان و جمشیدی، ۱۳۹۹، ص ۲۵).

معمولاً در قوانین داخلی و حتی اسناد بین‌المللی مقرر صریحی راجع به اثر اعمال تحریم بر روابط قراردادی ملاحظه نمی‌شود اما وضعیت تحریم می‌تواند به‌عنوان یکی از مصادیق مفاهیم کلی فورس ماژور یا هاردشیپ مورد توجه قرار گیرد (شعاریان و جمشیدی، ۱۳۹۹، ص ۱۹).

۳-۳. نظریه هاردشیپ (عسر و حرج) در حقوق ایران

در نظام حقوقی ایران اشاره‌ای به این نظریه نشده است با این وجود برخی قواعد و اصول فقهی از جمله قواعد عسر و حرج، غبن حادث، لا ضرر در توجیه چنین نظریاتی در مورد استناد نویسندگان حقوقی قرار گرفته است (کاتوزیان، ۱۳۷۳، ص ۱۰۱-۱۰۳). به‌رغم عدم وجود مقرر صریحی در خصوص نظریه هاردشیپ، وجود برخی قواعد فقهی مانند قاعده نفی عسر و حرج و قاعده المیسور و احکام خاص فقهی و قانونی که برای برخی وضعیت‌های مشقت‌بار (هاردشیپ) آثار تعدیل یا فسخ قرارداد را پیش‌بینی کرده‌اند، حاکی از آن است که این مسئله در حقوق ایران بی‌سابقه نیست. اگرچه این مسئله به‌عنوان یک قاعده عمومی منجر به تعدیل یا فسخ در حقوق ایران مورد شناسایی قرار نگرفته است. به‌رغم اینکه غالب حقوق‌دانان ایران بر اساس



مبانی نظری مطروحه، معتقدند پذیرش فسخ با مبانی حقوقی و روح قوانین ما سازگاری بیشتری دارد؛ اما با توجه به آثار اصلی قواعد نفی عسر و حرج و قاعد المیسور و مصادیق مطروحه در قوانین و فقه امامیه، اثر و راهحل تعدیل به عنوان اثر اصلی برای وضعیت هاردشیپ (عسر و حرج)، مناسبتر به نظر می‌رسد. مضاف بر آنکه با اثر تعدیل به عنوان اثر اصلی با مقررات حقوقی بین‌المللی و جدید، سازگاری بیشتری دارد (شریفی و صفری، ۱۳۹۲، ص ۲۲).

برخی دیگر نیز برای عسر و حرج، ملاک عرف را ضابطه قرارداده‌اند و بیان داشته‌اند که عسر و حرج باید در دید عرف موجود باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۵، ج ۲، ش ۲۲۵ و نراقی، ۱۸۷).

۴. نظریه عقیم‌سازی

استیصال یا درماندگی یک دکترین حقوق کامن لایی بوده که از نظر ماهیت به فورس ماژور نزدیک است با این حال، نسبتاً مضیق‌تر است. بر طبق این دکترین، ممکن است یک اتفاق یا واقعه رخ داده که خارج از تقصیر هر یک از طرفین قرارداد بوده به نحوی که یک طرف را از ایفای تعهدات قراردادی‌اش ناتوان یا مستأصل نماید. در نظام حقوقی کامن لا، حتی اگر شرط فورس ماژور در یک قرارداد تجاری نیامده باشد، یک طرف قرارداد می‌تواند در صورتی از ایفای تعهدات قراردادی‌اش معاف شود که اثبات نمود که یک واقعه عقیم ساز رخ داده است (McKendrick, 2013, p.53). اینکه یک واقعه خاص به عنوان یک واقعه عقیم ساز محسوب شود تا حدود زیادی به تصمیمات پیشین محاکم قضایی بستگی دارد. درحالی که در نظام حقوقی کامن لا، هیچ ملاک و استاندارد عینی برای تشخیص عقیم شدن یک قرارداد وجود ندارد، اما معمولاً موارد زیر برای تشخیص عقیم شدن قرارداد آورده می‌شود:

(۱) واقعه عقیم ساز پس از اینکه قرارداد منعقد شد، رخ می‌دهد؛

(۲) در زمان انعقاد قرارداد، وقوع واقعه عقیم ساز فراتر از حدود تفکر و اندیشه طرفین قرارداد بوده است؛

۳) وقوع واقعه عقیم ساز، ایفای قرارداد را غیرممکن ساخته یا شدیداً با آنچه طرفین ابتدایاً در نظر داشته‌اند، متفاوت می‌سازد؛

۴) هیچ‌یک از طرفین قرارداد در وقوع واقعه عقیم ساز، تقصیری نداشته‌اند. (Brunner, 2009, p.88)

با توجه به شرایط فوق، این سؤال مطرح می‌شود که نظریه عقیم‌سازی قرارداد با کدامیک از نظریات در نظام حقوقی داخلی قابل تطبیق است؟ به نظر می‌رسد که متناسب‌ترین نظریه‌ای که در این خصوص مطرح است، نظریه غبن حادث باشد. غبن حادث به این معناست که غبن که همان نقصان و خسران مالی یا نابرابری اقتصادی و عدم تعادل میان تعهدات طرفین است نه تنها در مرحله انعقاد عقد بلکه حتی در زمان اجرای تعهدات نیز می‌تواند مؤثر باشد. البته از آنجاکه غبن از نظر فقهی بایستی حتماً در زمان انعقاد عقد باشد، شرایطی لازم است تا بتوان به نظریه غبن حادث استناد نمود از جمله اینکه «اگر عرف ضرر ناشی از غبن حادث را ضرری ناروا و نامتعارف بداند و درعین حال، آن را دست‌کم در عقود خاص مانند عقود عهده مستمر به لزوم عقد نسبت دهد، قید هم‌زمانی هیچ تأثیری بر اجرای مفاد قاعده نخواهد داشت».

(شعبانی و باقری، ۱۳۹۷، ص ۴۹)

در رویه قضایی نیز به دکتترین «عقیم شدن» قرارداد اشاره شده است از جمله در قضیه *Hepburn v. Taylor* که خواننده در دفاعیه خود به دکتترین عقیم شدن قرارداد اشاره نمود، دادگاه تصریح نمود که شرایطی که ایفای تعهدات قراردادی را برای طرف مزبور غیرممکن ساخته است نمی‌بایستی به سبب تقصیر وی باشد و اینکه عقیم شدن قرارداد نبایستی خودانگیخته باشد. در قضیه *Millinum Telecommunications Limited v. Bahamas Telecommunication Company Ltd*، نیز دادگاه این اصل را تصدیق کرد که واقعه عقیم ساز می‌بایستی در زمانی که طرفین مبادرت به انعقاد قرارداد می‌نمایند فراتر از حدود تفکر و اندیشه و قصد آن‌ها باشد. دادگاه به‌مانند رأی قبلی این امر را مورد تصدیق قرارداد که مانع نبایستی تقصیر هر یک از طرفین قرارداد باشد بنابراین در صورتی که شرایط و اوضاع و احوال

یک واقعه عقیم ساز به واسطه قصور یا غفلت هر یک از طرفین قرارداد باشد، استناد بدان به عنوان واقعه عقیم ساز غیرممکن است.

۵. نظریه فورس ماژور

۱-۵. تفاوت نظریه فورس ماژور با نظریه هاردشیب در اصول قراردادهای

بازرگانی

در ادبیات حقوقی غربی عموماً برای اشاره به فورس ماژور از اصطلاح «فعل خداوند» استفاده می‌گردد. واژگان «فعل خداوند» به لحاظ حقوقی به این صورت تعریف شده است که «یک فعل طبیعی مستقیم، خشونت‌آمیز، ناگهانی و مقاومت‌ناپذیر است که خواننده (متعهد) نمی‌تواند از طریق هر میزان توانایی خود، آن را پیش‌بینی کند یا حتی در صورتی که آن را پیش‌بینی کرده باشد، نمی‌تواند از طریق میزان مراقبت و مهارتش به شکلی عمل نماید که تأثیرات آن را محدود می‌سازد». درحالی‌که می‌توان این‌چنین ادعا شود که تحریم‌های بین‌المللی یک فورس ماژور است اما به نظر نمی‌رسد که محاکم قضایی این‌چنین رویکردی را داشته باشند چراکه به لحاظ تاریخچه این بیماری، به عنوان یک بحران جغرافیایی دیده شده است تا یک بحران طبیعی. مضافاً، به رغم تلفات فراوانی اعمال تحریم‌های بین‌المللی به‌ویژه علیه برخی کشورها مانند ایران اما نایستی وقوع آن را آن‌چنان خشونت‌آمیز یا مستقیم دانست که اشخاص را از اجتناب از نتایج آن ناتوان سازد. (Sindberg, 2020, p.19) از سوی دیگر، بایستی اذعان داشت که مفهوم فورس ماژور از قراردادی به قرارداد دیگر متغیر بوده و به این بستگی دارد که چه حوادثی می‌تواند به عنوان فورس ماژور تلقی شود (Mastracci, 2020, p.280) دو رویکرد عمده در این مورد در نظام حقوقی کامن لا و رمی - ژرمنی وجود دارد. درحالی‌که در نظام حقوقی کامن‌لا، فورس ماژور به عنوان یک مفهوم جداگانه پذیرفته نمی‌شود و عمدتاً به عنوان یک شرط ضمن عقد مورد توجه قرار می‌گیرد اما در نظام حقوقی رمی-ژرمنی معمولاً تاثیر فورس ماژور

بر قراردادهای به‌صورت اندارج شرط فورس ماژور قابل‌مشاهده است. نمونه‌های شایع در این زمینه عبارت‌اند از تروریسم، ناآرامی‌های مدنی یا کودتا، فجایع طبیعی و نقض یا خرابی دستگاه‌های تولیدی. باین‌حال، در اغلب قراردادهای فورس ماژور به‌صورت موسع تفسیر می‌شود که هر واقعه خارجی که خارج از کنترل طرفین قرارداد باشد را شامل می‌شود. (Hutchison and Myburgh, 2020, p.221) نمی‌توان نظریاتی مانند هاردشیپ را در قلمرو فورس ماژور گسترش داد. هاردشیپ هنگامی ایجاد می‌شود که وقوع حادثه‌ای اساسی تعادل قرارداد را بر هم می‌زند؛ خواه به علت افزایش هزینه اجرا، خواه به علت کاهش ارزش عوضی که دریافت کرده است (Bund, 1998, p.7). اجرای آن دسته از قراردادهای بازرگانی بین‌المللی که مستقیماً تحت تأثیر تحریم‌ها بوده است با مانع جدی مواجه شده است این مانع به‌خودی‌خود می‌تواند حسب مورد به‌عنوان فورس ماژور یا هاردشیپ تلقی و متعهد را از مسئولیت به جبران خسارت معاف سازد (شعاریان و جمشیدی، ۱۳۹۹، ص ۳۰).

حوادثی از قبیل جنگ، اعتصاب کارکنان، حوادث طبیعی (مانند سیل زلزله)، تحریم‌های اقتصادی و تغییر قوانین و مقررات داخلی کشورها ممکن است مانعی در راه اجرای قرارداد ایجاد کند و در نتیجه سرنوشت قرارداد را تغییر دهد از این نوع حوادث در حقوق تحت‌عناوینی از قبیل فورس ماژور، کار خدا و فراستریشن یا عقیم شدن قرارداد و مانند این‌ها نام‌برده می‌شود (عادل، قوه قاهره در کنوانسیون بیع بین‌المللی، ۱۹۸۰، ص ۴۵).

۲-۵. فورس ماژور در حقوق ایران

قانون مدنی ایران در مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ دو وصف از اوصاف فورس ماژور یعنی خارجی بودن و مقاومت‌ناپذیری را به تبعیت از حقوق فرانسه پذیرفته است اما راجع به ویژگی سوم آن یعنی غیرقابل‌پیش‌بینی بودن تصریح نموده است لیکن حقوقدانان ما وصف اخیر را نیز برای تحقق فورس ماژور لازم دانسته‌اند اغلب نویسندگان ایرانی در مورد شرط خارجی بودن نیز معتقدند مقصود قانون‌گذار خروج مانع از



حیطه اقتدار و کنترل شخص متعدد است به نحوی که مانع استناد تقصیر یا عهدشکنی به او باشد.

در رویه قضایی محاکم ایران آرای بسیاری وجود دارد که به موجب آن وضع اعمال تحریم اقتصادی مصداق فورس ماژور تلقی و معافیت متعهد از جبران خسارت را به همراه داشته است به عنوان مثال در رأی مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۲۵ شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران آمده است که تحریم های اقتصادی کنونی اعمال شده توسط کشورهای غربی می تواند از مصادیق فورس ماژور در انجام تعهداتی که مشمول تحریم هاست محسوب شود و مشخصاً در مورد تأمین مواد از آن کشورها تأمین اجناس مورد تحریم توسط برخی افراد که به صورت خاص و از طریق ارتباطات خاص افراد صورت می گیرد نمی تواند نافی فورس ماژور تلقی شود باین حال در برخی دیگر از آرای صادره اظهار نظر شده است که تحریم های اقتصادی کشور در قراردادهای کوتاه مدت با توجه به قابل پیش بینی بودن آنها نمی تواند به عنوان عامل فورس ماژور موجب سلب مسؤلیت متعهد از ایفای تعهد قراردادی خود شود (شعاریان و جمشیدی، ۱۳۹۹، ص ۲۳).

۳-۵. نظریه فورس ماژور در تحریم های اقتصادی

همان طور که پیش تر نیز مورداشاره قرار گرفت، تحریم های اقتصادی در برخی آراء به عنوان فورس ماژور تلقی شده اند برای نمونه محکمه داوری مجارستان در قضیه شماره ۹۶۰۷۴ اعلام نمود که تحریم هایی که از سوی سازمان ملل متحد علیه جمهوری فدرال سوسیالیست یوگسلاوی وضع شده است به یک فورس ماژور بر مبنای ماده ۷۹ کنوانسیون بیع بین المللی کالا منتهی شده است به این دلیل که مانع از پرداخت مبلغ به یوگسلاوی به عنوان فروشنده کالا در طول زمان تحریم شده است. (Arbitration Court of the Chamber of Commerce and Industry of Budapest,) Meat Yard llc v. Russian در قضیه (Case No. vb 96074, 10 December 1996) Agricultural Bank ojsc (Case No. A21- 8837/2012)، دیوان فدرال روسیه اعلام

کرد که دستوری که از سوی مقامات روسی صادر شده است و مانع از واردات کالا از اتحادیه اروپایی شده است، حادثه فورس ماژوری تلقی نمی‌شود آن‌گونه که از سوی طرفین قرارداد مورد استناد قرار گرفته است. در این قضیه، "Meat Yard"، یک کارخانه تولید و عرضه گوشت گاو بود. بانک کشاورزی روسیه موسوم به OJSC که به حمایت تخصصی از صنایعی می‌پردازد که به کشاورزی و دامداری در روسیه می‌پردازند، در ماه‌های سپتامبر، اکتبر و دسامبر ۲۰۱۱ میلادی، سه وام را در اختیار شرکت "Meat Yard"، قرارداد که مقرر شد که همگی آن‌ها بایستی ظرف دو سال بازگردانده شوند. با این حال، در مارس ۲۰۱۲ میلادی، اداره نظارت بر محصولات گیاهی و دامی فدرال روسیه با صدور دستورالعملی اعلام نمود که واردات دام از اتحادیه اروپایی به فدارسیون روسیه ممنوع است. در مقابل، "Meat Yard"، با طرح دعوی در دادگاه روسیه ادعای تغییر شرایط و مفاد قرارداد وام بانکی را به دلیل تغییرات بنیادین در اوضاع و احوال را ارائه داد. در مقابل، دادگاه فدرال تجاری برای منطقه شمال غرب روسیه، با رد استدلال مطرح شده از سوی "Meat Yard"، اعلام نمود که به دلیل صدور دستورالعمل‌های مشابه از قبل، امکان پیش‌بینی صدور چنین دستورالعمل‌هایی وجود داشته است و دعوی شرکت روسی، رد شد.

یکی دیگر از قضایایی که در آن به تحریم‌های بین‌المللی به‌عنوان فورس ماژور استناد شد؛ رأی صادره در قضیه *the Tekhnoline llc v. Roskarantinservice llc* (Case No. A05-7583/2012) است. در این قضیه که مجدداً به رویه قضایی روسیه اشاره دارد، تکنولاین به‌عنوان طرف خریدار، یک قرارداد فروش را با Roskarantin به‌عنوان فروشنده امضاء کرد. کالاها بایستی در قالب سه محموله ارسال می‌شدند. شرکت روسکارانتین، دو محموله از سه محموله خود را تحویل داد اما سومین محموله به دلیل صدور دستوری از سوی دولت روسیه مبنی بر ممنوعیت واردات دام و به‌اصطلاح تحریم دام، امکان‌پذیر نشد. تکنولاین به‌عنوان خریدار، درخواست استرداد بخشی از مبلغ بیعانه به‌علاوه سود آن را به دادگاه ارائه داد. نهایتاً، دادگاه



رأی داد که با توجه به اینکه در قرارداد منعقد شده میان خریدار و فروشنده، کشور مبدا دام ذکر نشده است و بر همین مبنا، کالاها می‌توانسته‌اند از سوی هر فروشنده در هر نقطه جهان تأمین شوند، شرکت تأمین‌کننده بایستی تمامی برنامه‌ریزی‌ها را انجام می‌داده است تا در سررسید مقرر شده در قرارداد، اقدام به تحویل کالای موضوع قرارداد نماید و از آنجاکه در انجام این‌چنین برنامه‌ریزی، قصور ورزیده است، نمی‌توان دستور دولت روسیه در این راستا را به‌عنوان یک فورس ماژور تلقی کرد و بایستی فروشنده اقدام به جبران خسارت کند.

در شروط مرتبط با فورس ماژور می‌تواند خارج کردن صریح تحریم‌های اقتصادی از مصداق‌های فورس ماژور باشد یا با توجه به اینکه تحریم‌ها معمولاً قابل پیش‌بینی‌اند تاکید بیشتری بر شاخص غیرقابل‌پیش‌بینی بودن فورس ماژور شود همچنین از آنجاکه اعمال تحریم‌های اقتصادی می‌تواند منجر به دشوار شدن یا پرهزینه شدن اجرا شود هرچند که هنوز اجرا ناممکن نشده است ممکن است متعهد با استناد به همین افزایش چشمگیر و خارج از کنترل هزینه‌ها که توازن قراردادی را بر هم زده است تقاضای تعدیل قرارداد را داشته باشد. برای کشور یا اتباع کشوری که هدف تحریم قرار گرفته‌اند و احتمال وضع تحریم‌های جدید را هم می‌دهند شرط فورس ماژوری مناسب است که تحریم را در خود نگنجاند و صریحاً تحریم‌های اقتصادی را از محدوده اعمال شرط مزبور خارج کند در این صورت تحریم‌های اعمالی حتی اگر تمام شاخص‌های فورس ماژور را هم داشته باشد نه تحت شرط قراردادی و نه اصل کلی حقوقی بودن فورس ماژور موجب اعطای معافیت نمی‌شود چون قرارداد صریحاً آن را خارج کرده است و نمی‌توان خلاف اراده صریح طرفین حکم داد. تحریم‌های اقتصادی که انجام تعهدات طرفین را تحت تاثیر قرار دهند از شمول این شرط خارج‌اند و نمی‌توانند به‌عنوان فورس ماژور یا هر عنوان دیگری موجبی برای اعطای معافیت از اجرا باشند باید توجه داشت که قدرت چانه‌زنی طرفین در درج چنین شرطی بسیار مؤثر است تا بتواند طرف مقابل را ترغیب به قبول آن

کند همچنین اگر طرف قراردادی که کشور او تحت تحریم است احتمال دهد که انجام تعهدات خودش بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرد در مورد درج چنین شرطی باید دقت بیشتری اعمال کند (غلامی و امین زاده، ۱۳۹۳، ص ۴۸).

تحریم‌های اقتصادی به سبب محدودیت‌هایی که به وجود می‌آورند اجرای قرارداد را برای متعهد سخت می‌کنند و موجب می‌شوند متعهد با استناد به عذر قوه قاهره که از وضع و اعمال تحریم ناشی شده است بخواهد از ایفای تعهد قراردادی خود امتناع ورزد واضح است که به وجود آمدن این وضعیت چیزی نیست که متعاملان به دنبال آن باشند فارغ از اینکه چه حادثه‌ای موجب تعذر به قوه قاهره شده است عدم اجرای تعهدات مندرج در یک قرارداد به‌ویژه قرارداد بین‌المللی موجب ناکارآمدی اقتصادی و افزایش هزینه برای طرفین می‌شود (ایزانو و هاتفی، ۱۳۹۳، ص ۴۲).

اگر در زمان انعقاد قرارداد هیچ‌گونه شرایط تحریمی وجود نداشته و هیچ‌گونه احتمالی داده نمی‌شد که کشور در آینده نزدیک گرفتار چنین شرایطی خواهد شد می‌توان بروز چنین تحریم‌هایی را که اجرای قرارداد را با مشکل اساسی روبرو می‌کند از مقوله فورس ماژور دانست ولی اگر که در هنگام انعقاد قرارداد کشور در شرایط تحریمی قرار داشته و احتمال تحریم‌های سخت‌تر و فراگیر داده شده است نمی‌توانیم تحریم‌ها را از مقوله فورس ماژور دانست و متعهد را از انجام تعهد مبرا دانستن مثلاً کشور ما اکنون در شرایط تحریمی به سر می‌برد و هرروز باب جدیدی از تحریم علیه ایران باز می‌شود مواردی که زمانی جزء شرایط تحریمی نبوده‌اند اکنون داخل موارد تحریمی شده‌اند برای نمونه تا مدتی قبل از اتحادیه اروپا قوانین تحریمی در خصوص تحریم سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز ایران نداشت ولی اکنون این مورد نیز داخل تحریم شده است (ابراهیمی و اویار حسین، ۱۳۹۱، ص ۷).

با توجه به شرایط کنونی اعمال تحریم‌های گسترده‌تر علیه ایران قابل پیش‌بینی به نظر می‌رسد پیشنهاد می‌گردد تحریم را جزو مصادیق فورس ماژور قرار ندهیم بلکه به‌عنوان خطر قراردادی در نظر بگیریم و توزیع این ریسک در مورد طرفین عادلانه و

منصفانه باشد به نحوی که هیچ طرف قربانی نشود. تأثیرات تنها در مرحله اجرای قرارداد و انجام تعهدات با توجه به ماده ۲۴۰ قانون مدنی موردنظر است و در مرحله انعقاد فورس ماژور تأثیری ندارد اثبات اینگونه تأثیرات به نفع طرف ایرانی نیست لذا باید تمام دفاعیات طرف‌های ایرانی در حوزه آثار قرارداد متمرکز شود و در فرض شمول فورس ماژور تحریم اقتصادی می‌تواند باعث تعلیق در اجرای قرارداد فسخ و یا انفساخ آن گردد (ابراهیمی و اوپار حسین، ۱۳۹۱، ص ۱۶).

۶. نتیجه‌گیری

معمولاً در قوانین داخلی و حتی اسناد بین‌المللی مقرر صریحی راجع به اثر اعمال تحریم بر روابط قراردادی ملاحظه نمی‌شود اما وضعیت تحریم می‌تواند به‌عنوان یکی از مصادیق مفاهیم کلی فورس ماژور، هاردشیپ، عسر و حرج، موردتوجه قرار گیرد. به‌طورمعمول، چند وضعیت قراردادی در ارتباط با تحریم و تاثیر آن بر قراردادها وجود دارد اولاً: اینکه اگر تحریم‌های بین‌المللی از سوی متعهد به‌عنوان یک فورس ماژور، توصیف شود از آنجا که فورس ماژور خلاف اصل وفای به عهد است، بنابراین اثبات آن بر عهده متعهد به‌عنوان مدعی است ثانیاً: در صورتی که متعهد در انجام تعهد خود به‌گونه‌ای تأخیر داشته باشد که این تأخیر موجب برخورد قوه قاهره با اجرای تعهد وی شود، این مورد موجب بری شدن متعهد از ضمانت نمی‌گردد.

وضعیت دوم آن است که متعهد، تحریم‌های بین‌المللی را به‌عنوان هاردشیپ یا وضعیت عسر و حرج تعبیر نماید. در این‌چنین شرایطی، متعهد بایستی اثبات نماید که به دلیل وقوع تحریم‌های بین‌المللی، اجرای قرارداد بر اساس مؤلفه‌های اقتصادی، نامتوازن می‌شود. البته هاردشیپ در نظام حقوق قراردادهای ایران موردپذیرش قرار نگرفته است اما می‌توان آن را با عسر و حرج مقایسه نمود. این موضوع در رویه قضایی ایران نیز سابقه داشته است به‌طوری‌که شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور در دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۸۱۰۰۸۵ مورخ ۱۳۹۴/۰۶/۳۱ تصریح نمود که افزایش بیش‌ازحد قیمت‌ها، موجب بری شدن متعهد از اجرای تعهدات قراردادی‌اش شده است.

البته در نظام‌های حقوقی اروپایی و کامن لا، امروزه عموماً تنها در صورتی می‌توان به فورس ماژور استناد کرد که شرط ضمن عقد آن در قرارداد مندرج شده باشد. در غیر این صورت، اختلاف نظرات جدی در مورد استناد به فورس ماژور برای عدم ایفای تعهدات قراردادی وجود دارد.

اگر در زمان انعقاد قرارداد هیچ‌گونه شرایط تحریمی وجود نداشته و هیچ‌گونه احتمالی داده نمی‌شد که کشور در آینده نزدیک گرفتار چنین شرایطی خواهد شد می‌توان بروز چنین تحریم‌هایی را که اجرای قرارداد را با مشکل اساسی روبرو می‌کند از مقوله فورس ماژور دانست ولی اگر که در هنگام انعقاد قرارداد کشور در شرایط تحریمی قرار داشته و احتمال تحریم‌های سخت‌تر و فراگیر داده شده است نمی‌توانیم تحریم‌ها را از مقوله فورس ماژور دانست و متعهد را از انجام تعهد مبرا بدانیم تا مدتی قبل اتحادیه اروپا قوانین تحریمی در خصوص تحریم سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز، ایران نداشت ولی اکنون این مورد نیز داخل تحریم شده است بنابراین باید قبول کرد که به‌دقت می‌توان دامنه تحریم‌های احتمالی آینده را پیش‌بینی کرد.

با توجه به شرایط کنونی اعمال تحریم‌های گسترده‌تر علیه ایران قابل پیش‌بینی به نظر می‌رسد پیشنهاد می‌گردد تحریم را جزو مصادیق فورس ماژور قرار ندهیم بلکه به‌عنوان ریسک قراردادی در نظر بگیریم و توزیع این ریسک در مورد طرفین عادلانه و منصفانه باشد به نحوی که هیچ طرف قربانی نشود.

در مواقعی که تحریم اقتصادی رخ می‌دهد که شرایط فورس ماژور را دارد، باعث انحلال قرارداد می‌گردد، البته گاهی اوقات نیز فورس ماژور باعث تعلیق قرارداد می‌گردد به این صورت که اگر تحریم اقتصادی که شرایط فورس ماژور را دارد، اگر به‌صورت دائمی باشد یا موقت باشد اما مدت اجرای قرارداد معین و محدود به آن زمان باشد، قرارداد منحل می‌شود اما در مواقعی که حادثه موقت است و بعد از



تمام شدن مدت آن هنوز مهلت اجرای قرارداد منقضی نشده باشد، باعث تعلیق قرارداد می‌گردد و پس از اتمام آثار تحریم قرارداد باید اجرا شود. در خصوص اثر و راهحل قابل قبول اثر تحریم‌های اقتصادی برای وضعیت هاردشیپ (عسر و حرج) در حقوق ایران، باید گفت به‌رغم عدم وجود مقررہ صریحی در خصوص نظریه هاردشیپ، وجود برخی قواعد فقهی مانند قاعده نفی عسر و حرج و قاعده المیسور و احکام خاص فقهی و قانونی که برای برخی وضعیت‌های مشقت‌بار (هاردشیپ) آثار تعدیل یا فسخ قرارداد را پیش‌بینی کرده‌اند، حاکی از آن است که این مساله در حقوق ایران بی‌سابقه نیست. اگرچه این مساله به‌عنوان یک قاعده عمومی منجر به تعدیل یا فسخ در حقوق ایران مورد شناسایی قرار نگرفته است.

تحریم تحت شرایطی می‌تواند مانعی بر سر راه اجرای تعهدات قراردادی تلقی و موجب معافیت متعهد شود یعنی اگر مرجع رسیدگی‌کننده اعمال تحریم منع‌کننده اجرای تعهدات قراردادی را مناسب بداند با جمع شرایط این تحریم می‌تواند مانع قانونی بر سر راه اجرای این تعهدات دانسته شود که معافیت طرف خاطی متعهد را نسبت به مسئولیت عدم اجرای تعهدات توجیه می‌کند.

۷. منابع

۷-۱. منابع فارسی

۱. ابراهیمی، سید نصراله، اوپار حسین، شادی، «آثار تحریم بر اجرای قراردادهای بازرگانی بین‌المللی از منظر فورس ماژور»، دانش حقوق مدنی، سال اول، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.
۲. ایزانلو، محسن، هاتفی، علی، «بررسی و تحلیل حقوقی رویکرد و راهکارهای بی‌اثر کردن تحریم‌های اقتصادی در قراردادهای تجاری بین‌المللی»، اندیشه حقوق عمومی، سال ۴، شماره ۱، پیاپی ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.

۳. شریفی، سید الهام‌الدین، صفری، ناهید، «مقایسه نظریه هاردشیپ و فورس ماژور در اصول حقوق قراردادهای بازرگانی، اصول حقوق قراردادهای اروپایی و حقوق ایران»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۲.
۴. شعاریان، ابراهیم، جمشیدی، تورج، خروج از برجام و جبران خسارت ناشی از عدم اجرای قراردادهای تجاری بین‌المللی، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۲۲، شماره ۶۹، زمستان ۱۳۹۹.
۵. شعبانی، مهدی، باقری، احمد، «بازنگری فقهی در مشروعیت و پی آمد غبن حادث»، فصلنامه فقه و اصول، سال پنجاهم، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۱۲، بهار ۱۳۹۷، ص ۴۹.
۶. شهیدی، مهدی، آثار قراردادهای و تعهدات، انتشارات مجد، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۶.
۷. عادل، مرتضی، «قوه قاهره در کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰»، مجله دیدگاه‌های حقوقی، بی‌تا.
۸. غلامی، وحیده، امین زاده، الهام، «رویکرد فعال در مقابله با پیامدهای تحریم‌های اقتصادی در قراردادهای تجاری»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۷۸، تابستان ۱۳۹۳.
۹. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادهای، جلد سوم، شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۳.
۱۰. کاتوزیان، ناصر، حقوق خانواده، جلد دوم، انتشارات بهمن برنا، تهران، ۱۳۷۵.

۲-۷. منابع لاتین

11. Arbitration Court of the Chamber of Commerce and Industry of Budapest, Case No. vb 96074, 10 December 1996.



12. Brunner, Christoph, " Force Majeure and Hardship Under General Contract Principles: Exemption for Non-performance in International Arbitration ", Kluwer Law International B.V., 2009.
13. Bund, Jennifer M, Force majeure Clauses - Drafting Advice for the CISG Commercial Law, Practitioner, Pace Institute of International, 1998.
14. C. Tevendale and M. De Brugiere, 'Contractual Disputes and Practical Implications Arising from Sanctions in the Aftermath of the Arab Springs', 22 World ecr, 2013.
15. Hutchison, Andrew and Myburgh, Franziska, "Research Handbook on International Commercial Contracts", Edward Elgar Publishing, 2020.
16. J. Fisher qc and A. Baradon, 'Assessing and Managing the Impact of Economic Sanctions on Commercial Contracts', Practical Law, October 2015.
17. Lazari, 'Armi da guerra e guerra delle armi: prima condanna italiana per la Ybris di Saddam', 2 Danno e responsabilità, 1997.
18. Markesinis, Basil and others, The German Law of Contract, UK, Hart Publishing, 2nd, 2006.
19. Mastracci, Marco, "The International Distribution Agreement: A Practical Approach to Transnational Contracting across the European Union, the United States and Latin America (2nd edition)", Universal-Publishers, 2020.
20. McKendrick, Ewan, "Force Majeure and Frustration of Contract ", CRC Press, 2013.
21. Perillo, Joseph M, Force Majeure and hardship under the unidroid principle of international commercial contract, Rome, 1996.
22. Sindberg, Kim, "CoronAdvice: covid-19 from a Trade Finance perspective", BoD – Books on Demand, 2020.
23. T.S. Hishoff, J.R. Miller, 'Force Majeure and Commercial Impracticability: Issues to Consider Before Next Hurricane or Natural Disaster Hits', 29 Michigan Business Law Journal, 2009.

A Comparative Study of Economic Sanctions' Impact on Obligations in Iranian Law and International Trade

Saeeda Ismailifard¹, Seyed Hussain Sadat Hussaini^{2*}, Ramazan Dehghan³, Majid Heratiannejadi⁴

1. Ph.D. Student in Private Law, Department of Law, Islamic Azad University, Damghan Branch, Semnan, Iran
2. Assistant Professor, Department of Public and International Law, Faculty of Law, Islamic Azad University, Damghan Branch, Semnan, Iran
3. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law, Islamic Azad University, Damghan Branch, Semnan, Iran
4. Assistant professor, Department of Law, Islamic Azad University, Damghan Branch, Semnan, Iran

Receive: 12/12/2021

Accept: 20/04/2022

Abstract

As a confrontation tool, economic sanctions are applied by the developed states against the developing states in order to make the state under sanctions adjust to demands imposed by the states sponsoring sanctions. The sanctions produce a variety of economic, social, legal and other effects, including an effect on contractual commitments. Whereas no specific law has been devised with regard to the effect of international sanctions on contractual commitments in Iran's legal system, the issue has been addressed in international arbitration and judicial procedures of other countries. The main question addressed in this study, is that what approach Iran's legal system and international trade law adopt towards the effect of economic sanctions on commitments. The findings of the present study note considerable differences. To begin with, in international trade law system, the effects are examined, using three doctrines of hardship, frustration and force majeure, while no particular approach is observed in Iran's legal system in this regard. Secondly, in international trade law system, a single approach, considering economic sanctions as a force majeure, hardship or frustrating event, is not observed. However, most procedures tend toward the frustration doctrine. In the meantime, Iran's judicial systems for the most part seems to gravitate towards considering international sanctions as force majeure.

* Corresponding author's E-mail: dr.saadathosseini699@yahoo.com

Keywords: Sterilization, Force Majeure, Economic Sanctions, Hardship, Liabilities.